

۱۱۴
۱۱۵

۱۱۶
۱۱۷

۱۱۸

سنامکی
درصم
۱۶

روز راک
درصم
۶

چند اونی
درصم
۲

انگوش
درصم
۴

درصم
درصم
درصم

درصم
درصم
درصم

درصم
درصم
درصم

درصم
درصم
درصم

Handwritten text in Persian script, including various names and numbers, possibly a list or index.

امروزه آنچه که بی بجا اند که سوز که سوز بودی مسدود است چنانچه بی بجا است
که عادت است
بدره اول تلجی دیکه دانی اول دایره لشکریه کبره کبره کبره دانی اول کبره
بدره اول دایره کبره دانی اول دایره کبره کبره کبره دانی اول کبره
اقایع اول کاش اول ایلان اول سینه معلوم اول غفلت اول کبره کاشانه

۱۱۹
۱۲۰

عزیز و عزیز
عزیز و عزیز
عزیز و عزیز

Handwritten text in Persian script, including various names and numbers, possibly a list or index.

کتاب طب

طوبیون	کونین	لایون	غوی	مصعک	صیغریه	قرصان	فردکس
۱۰	۱۰	۷	۲۳	۱۰	۵۰	۵۰	
قارون	فالوک	فلفس	ورظفن	قرظف	ورجین	جوزقور	
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	
کت	سپاس	کیمین	درونه	موله	ردصبر	لساروه	
۱۰	۱۰	۲۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	
دزنا	سنا	بغراق	سنگ کوه	سورخه	بوزبره	مغز	
۱۰	۱۰	۱۰	۲۰	۱۰	۱۰	۱۰	
سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	

عده و وزن و مقدار
از کوه و سنگ و سنگ
سنگ و سنگ و سنگ
سنگ و سنگ و سنگ



خانه قلب صواب اولدین ایلدین
اصی نه مرضنک بعد صواب البصر
صانم کم لطفله آرنه بنه تعمیر بس
که و بمشکر کوز لم بعد صواب بص
سنگ جور بله کوکل شهر بنی و بر لک اربکه
دست خنجر بله و بر طاش کیم بو عصر

طوبیون

کتاب طب
کتاب طب
کتاب طب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي انعم علينا بنعم الايمان والاحسان وعلمنا بقضه غايات الشرائع واحكام الاحكام و
والصلاة والسلام على عبده محمد سيد الامم وعليه وعلى آله وصحبه يومئذ
ما أشركت لغيره شئ من العصابة والهم في نقل العباد الرخا والاعلم اما بعد
بكل كرامه ضعيف وغير خفيف وغير مفسس القربى مفضيئ الشراير غريب الاسباب وغريب

الاشرف برهانه الدين محمد بن محمد الزين الحسيني من اولاد المراد الرازي الشيخ محمد بن علي بن
مدي صاحب فؤاد الاصل في احاديث الرسول صلى الله عليه وسلم وعليه وآله وصحبه اجمعين وغفر له ولهم
وجميع المسلمين المبرورين عموما واهل العوالم اجمعين وموم نوره محمد واهل آجاله سامة عموما
في واجه امره ان كره ان يكون له احد ولا يملكه احد ولا يملكه احد ولا يملكه احد ولا يملكه احد
وكل كرامت علياين ووفرت علياين نذر باره زكاه روزگار يا معني وقدر افكاره باره روزگار
موردك او رب مجال مقال بله مقال حاله استه اضطرار استه واختيار اختياره وقدره فراره برهسته

او غمدي اما هو رب امره شدي ساجي وقرمان منيف زبدي لا يناما من غير حياوية لا ينامون من حياوية
عدي كرسك حرقان نازدت وعنا كبر مرتبان بحر محبت درجل جبار منك وذي فضل خلد
نشاند به مقتضاي ايجاد الهي واعداد ناصحابي ايك كبره وحقايق حيه سجيل الله بعد
والله اعلم الله بحقيقته فعد ذلك امر وحقايق حديث نبوي وجره مسنوي ان في ايام دهر
حقايق من غير الا تسمي كرامه عنك ندي به قد بره من ضم اربوب ديد اهد دل وانا بسوي فتح

حلق الاستر والظلم مراقب وكرا مراقب وارزاد طور مشرك نظم جوفيه تنك دل ودمك ناكاه
اشقي حقه من حقه الله كلم زان فتح كس صديقه ايد باره زكاه له زاييج كفا عيني اشته
حناني ورمي تفرقه من مقال به سواد سيد وسواد ديه خطه سواد طرف بيتا اشكيه

زيارت نره به حبيب الله من بكره في السنة الضميمة من الفسحة الزهية من امانة العاشق من
الهمزة الظاهرة سفر مبارك معونه صحبه تبارك ميسرا اولاد الله الحمد من قبل ومن بعد بررسوله افضل
والجهدت الكرم متساواني وحققت الملازم بالامان فليكن كان ندمه لاني كما انصحني شافي
في عناقى مدبرة متورن وعبادة مطهره بانامه ملايكه اولاد القربى محمد رسد مشرف وبارز منخله
انار اذ ندمه عليه ولفظ وروايات لطايف مؤلف وطلايف مؤلف اربوب اباديه نوت ايام

بجارت و مباديه وصلت همام مرملت قوت كبري وحققت عظمي كرمه نيك نكاه بركت ان ذكر كرام
كبري و صبر حبيب شيخ النبي الذي عزيه و فرينك قد نسا الله سره العزيز وقر شافي الانفاس من نور العزيز
فترحات مكره سلك جبار غريبه مصادفه ومعالجه اوله فقه من غير الاحاديث الشريفة النبوية
والاحاديث النبوية العظيمة اشو حديث هنت ابره او بنش روي الوهره نوا نامة عهد عمر النبي
صلى الله عليه وسلم انه قال يا ابا هريرة علم الناس مني كمن لاك النعم الساطع يوم القيامه منك
به الا انك لو لا الاخر لا يسر وانا نيك بشا نيكه وقرنا بشا نيكه ان نرضه له انه نصابه حياوية

جان وجاهه بنشانت ونباشت حاييل اربوب نوح الغاء رشي ونافيض وناج وفتح الهم سويده
وامض ولايج اولادك كمنضحت احوال واكل نرت اعمال في المال تحصيل علوم شرعية حياوية
ويكلم قديم فتوا سعيه احده برته كمن تعالي دل وواسعه ومن نوت الحكمة خلد وحيث
كفر عند ارباب تشبه حكيمه مرادته كبريه وان كانا كذا وكذا والعهدة علي ما في اذ ان نرضه له
و ديار مشرفه بفتح مفتح الاربوب و تشبه مبر الاحباب وطم ارباب حريوت والهاب اولادك
تلك اولاد القبلاج نابت وصدقه اولاد احتياج نابت كشمير حيه اسد نابت حرقان في السنة

وفايد مشرفه واربوب دقه ومنه اقتدا انشاء واقتدا مقتدا او كدي اقامت نباشت في هذا
القاعة لفرار از ربه خايريه جليل وكر اوزم فودر لا فضل اولادك او من نرضه له
نبوي وقتهم وكنهه ان شوق حبيب عجب حبه مروي وكي وكنهه او من نرضه له اولادك

کند قرآن را در هر حال که باشد هر چند مرید او بداند که در آن تفسیر اینها
و اینها تفسیر اینها که هر کس است نشسته بر این آثار است و اینها تفسیر اینها که هر کس است نشسته
کلام کتابی که باز شده است رسول الله صلی الله علیه و سلم میفرمودند که هر کس این کتاب را بخواند
اوله تشریح آیه که در حق تعالی است و اوله تشریح آیه که در حق تعالی است و اوله تشریح آیه که در حق تعالی است
جنت اولان کار در رسول الله صلی الله علیه و سلم میفرمودند که هر کس این کتاب را بخواند
بره که بگوید خداوند که امر او است و جماعت در دستار نماز آید ایام طهارت بر می آید و روایت
نیز که هر کس این کتاب را بخواند در هر روز از هر وقت که خواهد بود و هر کس این کتاب را بخواند
برابر و مانند برتری او است برکت نیز عباد الله بر هر روز عبادت او است رسول الله صلی الله علیه و سلم
و سلم هر کس است و جماعت او برینه او است الله تعالی آنکه هر روز او در هر روز او در هر روز او در هر روز او
بیشتر و صاحب دیدار که با رسول الله صلی الله علیه و سلم میفرمودند که هر کس این کتاب را بخواند
استحقاق آیه علیه و سلم میفرمودند که هر کس این کتاب را بخواند اوله تشریح آیه که در حق تعالی است
عند الله و اول او است نه که برسی او الله یقین وقت نازی جماعتی فله ایکنجسی اوله رسول
ایده که همانند هیچ راهی که بر زمین او است و کس که در کتابه ایکنجسی الله اما نه شک اعتقاد
خداوند حاضر من در اعتقاد آیه در ایکنجسی اوله که با خداوند هیچ کس در هر روز او در هر روز او در هر روز او
اوله که هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است
اینه که هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است
دیده که هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است و هر کس است
تج اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه
ناست اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه
بکار که بر علیه است و روایت اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه اوله سوره الفاتحه

مناسبت هر چند اما هر نفس بود که علی ستمت فرموده هر ساله از روز شنبه و هر ساله از روز شنبه
او برینه و فرض عین اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه
فرض عین اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه و اولان علیه
و اوله تشریح آیه که در حق تعالی است و اوله تشریح آیه که در حق تعالی است و اوله تشریح آیه که در حق تعالی است
سوره ای ایام ندم دیدی بر علیه السلام جبرئیل جویند که بدید که اسلام بشنیدند بر علیه السلام
بر نگردد و محمدی حق رسول بلکه ایکنجسی بر وقت نازی فاشند شرطه و برنگردد بلکه ایکنجسی
و برنگردد نکند شرطه و برنگردد بلکه ایکنجسی بر وقت نازی فاشند شرطه و برنگردد بلکه ایکنجسی
بشخصی که بر سره حج افکند و چنانکه شرطه و برنگردد بلکه ایکنجسی بر وقت نازی فاشند شرطه و برنگردد بلکه ایکنجسی
دیکم اوله کشی بر یکم و دیگر عوز اتی منبه و کتله انا نه و بیسی و اشرفی بر عین ندید و یکم
شده بله و اشرفی و اوله تشریح آیه که در حق تعالی است و اوله تشریح آیه که در حق تعالی است
ایکنجسی نازی فاشند اما طراحت نازی کشی اوله و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله
طراحت بکار که طهارت لغت اوله طراحت اما شرطه لغضای مخصوصه و بر وقت ناست مخصوصه آیه
و طهارت نازی جایز او خاک شرطه و بکار که طهارت یکی نوزده بری جاست حکیه در طهارت آیه
طهارت حکیه در بر بری جاست حقیقه در طهارت در طهارت حقیقه در طهارت حقیقه در طهارت حقیقه
او هر چند برسی در طهارت و برسی نوزده طهارت برسی نازی حکیه در طهارت حکیه
ایکنجسی در بر بری جاست حقیقه در طهارت که اوله آیه برسی جنات و حیض و تقاضی
سوره طهارت که اوله طهارت حکیه در طهارت حکیه در طهارت حکیه در طهارت حکیه در طهارت حکیه
فرض اید که در طهارت حکیه در طهارت حکیه در طهارت حکیه در طهارت حکیه در طهارت حکیه در طهارت حکیه
نتم آیه اشکوه و فاشند و بر حکم و اوله حکم و اوله حکم و اوله حکم و اوله حکم و اوله حکم و اوله حکم
نتم جنتا ناظمه و فاشند و بر حکم و اوله حکم و اوله حکم و اوله حکم و اوله حکم و اوله حکم و اوله حکم

آنند بشره و در آنجا اول وقت و بنگ او زینجه فصلی است پس بگویم کسی به غسل نیک واجب و سه بجه
یا بیضه کرده اول آنرا بیدار کند زینجا که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
یا در کوی بوی اندک است و بگویم کسی به اشبه می فرماید اول آنرا غسل نیک و بجه که در هر حال
عین اول آنرا غسل نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
الغری و منزه از هر چیزی صحت و نیکو است این و منزه صحت و نیکو است این و منزه صحت و نیکو است این
را بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
افتقار کافی ایضا اغری و بوی او و منزه مباحه اندک مستند است و بوی او و منزه مباحه اندک
مستند مگر که اوچ خوشتر اول اول وقت مباحه است که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه اندک
ست و بوی او و منزه مباحه است که اوچ خوشتر اول اول وقت مباحه است که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه اندک
فقطه مباحه اندک خوشتر از بوی او و منزه مباحه است که اوچ خوشتر اول اول وقت مباحه است که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه اندک
خود نیک و سه غرض آنکه در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
چگونه که با وضو اول و در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
اشبه که شایسته است از آنجا که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه است که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه اندک
اجز و بوی او که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه است که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه اندک
کشی بیقرار او را چه ایضا طایفه ای از آنکه اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه است که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه اندک
سی که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
بوقار جکیه و فدا بجه که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه است که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه اندک
که احتیاط اجز و بوی او که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه است که اوچ خوشتر از بوی او و منزه مباحه اندک
صورت در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
بگویم کسی به اشبه می فرماید اول آنرا غسل نیک و بجه که در هر حال

ایکی این یا بیضه نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
واجب اول آنرا غسل نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
خدا داده بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
بالاجماع زیرا که غسل نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
بر مایه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
و طاعت نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
اجبه صحت آنکه زیرا ایضا در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
یا هر صحت و نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
شست دست او نیز که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
یا حلوا بوی صحت و نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
چون در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
کرد او نیز که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
امریب صحت و نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
واجب او نیز همان است صحت و نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
در آنجا غسل واجب اول آنرا بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
کمیته غسل واجب اول آنرا بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
دخنی و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
از درخت شیشه اول آنرا بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
یکسی در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا
ایضا از هر صحت و نیک و بجه که در هر حال و باغ کنی به بوی او که نیک کرد و فرموده از آنجا

بگویم کسی به اشبه می فرماید اول آنرا غسل نیک و بجه که در هر حال

بگویم کسی به اشبه می فرماید اول آنرا غسل نیک و بجه که در هر حال

بشنه نامه که بر مزاری است شش ماه یکی که سینه قریب بیکه البته دکان را بی آنکه شهادت برین اولاد
خلافه ایست صرف با شرف مزاری او برین قولی است البته در قاعده ای که در تاریخ انصاف و احدی کلمه اول
ایکوی است که در سینه اول بزرگه اول قولی بود مضمون آنکه بنامه مسخ انگیزه اوله ایست که
کرا اول ایفای بوسه صبره غلام بوسه در سینه استاتی زک انش اولاد او ایچگی ایچگی اولاد شادیه
شبهه که بزرگ صفره عیله ایچره بوی و بیکه اول است که سخیار ایچره بوی و بوی عضو اوله اوله صانع اول
بومضه و برسی دایمی بوسه مسخ انگیزه و ایچگی دایمی است که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
ایکوی ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
صفره بیکه شهادت است که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
استند ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلوات الله علیه ورحمة الله
استغفرک واثوب ابدک وادخر بیکه که الذمک صومل هند ویکه صومل هند ایراد بیکه بوسه اوله اوله اوله
و او بوسه شهادت که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
و بیکه اوله
فرشته ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
آیه ایچ قدردان ایچره که استکه ناز قلع و دودست او نوا حال ایچ قدردان که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
کیچره فرجه برید که ایچ نام احبار صوفیه و صومل هند و بیکه بوسه اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله
بوسه شهادت ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
برشوش قدردان که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
انکه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
مشهدیه و قیام اولاد ایچره که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
ایچره بیکه شهادت ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
و صانع

و صانع صبره ایست صبره و در دایمی و کراست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
و که ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره
سینه بزرگه ایچ بوسه و ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله
بر ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
صفره بیکه شهادت ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره
قاعده ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله
جانه ناز قدردان که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
اکتای قدردان که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
دایمی که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
قاعده ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
قیام که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
ایچره بیکه شهادت ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
بوسه که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
اما ناز قدردان که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
و ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره
و کراست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
و کراست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه ایست که در سینه
اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره اوله ایچ سینه صبره صبره

دسته سر زده بیکدیگر اشهد ان لا اله الا الله همه اندکوار مرده اشهد ان محمد رسول الله همه اولاد
اشهد ان محمد رسول الله اندکوار مرده که حجی القلوب همه اولاد حق استغفار لآخرون ولا حق الايمان
دسته اندکوار مرده حجی علی التمام همه اولاد حق لا اله الا الله همه دینانندکوار مرده الله الله
دسته اولاد حق الله الله همه دینانندکوار مرده لا اله الا الله همه اولاد حق لا اله الا الله همه کورمانند
جست کوره حساب سبز شیخ جبار رحمت الله بشاره برهنه مندر وراثت ظهور رسول الله صلی الله علیه و آله
سودنی دیر بر کذا فی سنیذک و قد لله دین الله هم همه منزه الله عن النکاح و الصلوة و التزانیة آیت
محمد الوسیط و الوصیة و ابنته معان محمد را اذنی و مدینه شفاعتیه العالیب اول قیامت گرفتار
صحب صلح شریف زوی رحمة الله بر هیله شریف کهنه ایدر هر کس از آن قدس شریف از آن کیم
زین مرده و بد و کرم عقیده دینیه و از آن نام او محمد و سید و آقا اشهد ان لا اله الا الله و محمد
لا اله الا الله و ان محمد عبده و رسول ربه و اولاد محمد رسول الله و الا سلام و السلام علیکم و علی
و کلکم که قامت دانی از آن کجود تا انانیه حجی علی التمام و در کماله که قامت الصلوة حجی اکی کر و اولین
او شدنی تشارخا ایما اقام علم قدر و رایت و نیک مرده در مقام کرم کرم بر ملک مکروه در نهانایم
ذخیره ایدر مرده امامان عینک اوله امام علم اوله مرده قامتی باشد و با بر ایدر و مؤثره قامت
کودر کنی قد قامت الصلوة کجیک خدیو اولور در سر نهان می کاند تا علم و دوسه نازق هر یوه بر کجانی
و فضا یعنی نازق از آن اوقه قامت مرده ایدر سوز کینک مداف جاز فاسقیکر و عهدا ما فاسقیکر ذمیریه
رشد گشته و عجز گشته و درونک و سرخو منته ادا فی زمانه مکروه در آن ذکر اوقیه و سبب جمانه
نازق نفس دانی یا فاسقیکر مشرک کرده در صاف کشتی از آن اوقه قامت کوه سباز در اقا انا از آن اوقه
یکر کله نایم ایدر حلیه اسلام سوزی حکم بنسزدیم از آن اوقه قامت کوه نازق هر سوز مرتب
ایله مرتب اسی صیبر طبل اولوب ایدر نازق به تکرار از آن نزهت منزه جان ایدی کجیکاری
باله نازق و نوزک ایدر نازق اوقه کینه از آن کینه قلبی آیه اولدی کجیکه حدیثیه اولدی و کجیک
اشهد ان

اشهد ان لا اله الا الله همه دینانندکوار مرده الله الله همه اولاد حق لا اله الا الله همه کورمانند
جست کوره حساب سبز شیخ جبار رحمت الله بشاره برهنه مندر وراثت ظهور رسول الله صلی الله علیه و آله
سودنی دیر بر کذا فی سنیذک و قد لله دین الله هم همه منزه الله عن النکاح و الصلوة و التزانیة آیت
محمد الوسیط و الوصیة و ابنته معان محمد را اذنی و مدینه شفاعتیه العالیب اول قیامت گرفتار
صحب صلح شریف زوی رحمة الله بر هیله شریف کهنه ایدر هر کس از آن قدس شریف از آن کیم
زین مرده و بد و کرم عقیده دینیه و از آن نام او محمد و سید و آقا اشهد ان لا اله الا الله و محمد
لا اله الا الله و ان محمد عبده و رسول ربه و اولاد محمد رسول الله و الا سلام و السلام علیکم و علی
و کلکم که قامت دانی از آن کجود تا انانیه حجی علی التمام و در کماله که قامت الصلوة حجی اکی کر و اولین
او شدنی تشارخا ایما اقام علم قدر و رایت و نیک مرده در مقام کرم کرم بر ملک مکروه در نهانایم
ذخیره ایدر مرده امامان عینک اوله امام علم اوله مرده قامتی باشد و با بر ایدر و مؤثره قامت
کودر کنی قد قامت الصلوة کجیک خدیو اولور در سر نهان می کاند تا علم و دوسه نازق هر یوه بر کجانی
و فضا یعنی نازق از آن اوقه قامت مرده ایدر سوز کینک مداف جاز فاسقیکر و عهدا ما فاسقیکر ذمیریه
رشد گشته و عجز گشته و درونک و سرخو منته ادا فی زمانه مکروه در آن ذکر اوقیه و سبب جمانه
نازق نفس دانی یا فاسقیکر مشرک کرده در صاف کشتی از آن اوقه قامت کوه سباز در اقا انا از آن اوقه
یکر کله نایم ایدر حلیه اسلام سوزی حکم بنسزدیم از آن اوقه قامت کوه نازق هر سوز مرتب
ایله مرتب اسی صیبر طبل اولوب ایدر نازق به تکرار از آن نزهت منزه جان ایدی کجیکاری
باله نازق و نوزک ایدر نازق اوقه کینه از آن کینه قلبی آیه اولدی کجیکه حدیثیه اولدی و کجیک
اشهد ان

اشهد ان لا اله الا الله همه دینانندکوار مرده الله الله همه اولاد حق لا اله الا الله همه کورمانند
جست کوره حساب سبز شیخ جبار رحمت الله بشاره برهنه مندر وراثت ظهور رسول الله صلی الله علیه و آله
سودنی دیر بر کذا فی سنیذک و قد لله دین الله هم همه منزه الله عن النکاح و الصلوة و التزانیة آیت
محمد الوسیط و الوصیة و ابنته معان محمد را اذنی و مدینه شفاعتیه العالیب اول قیامت گرفتار
صحب صلح شریف زوی رحمة الله بر هیله شریف کهنه ایدر هر کس از آن قدس شریف از آن کیم
زین مرده و بد و کرم عقیده دینیه و از آن نام او محمد و سید و آقا اشهد ان لا اله الا الله و محمد
لا اله الا الله و ان محمد عبده و رسول ربه و اولاد محمد رسول الله و الا سلام و السلام علیکم و علی
و کلکم که قامت دانی از آن کجود تا انانیه حجی علی التمام و در کماله که قامت الصلوة حجی اکی کر و اولین
او شدنی تشارخا ایما اقام علم قدر و رایت و نیک مرده در مقام کرم کرم بر ملک مکروه در نهانایم
ذخیره ایدر مرده امامان عینک اوله امام علم اوله مرده قامتی باشد و با بر ایدر و مؤثره قامت
کودر کنی قد قامت الصلوة کجیک خدیو اولور در سر نهان می کاند تا علم و دوسه نازق هر یوه بر کجانی
و فضا یعنی نازق از آن اوقه قامت مرده ایدر سوز کینک مداف جاز فاسقیکر و عهدا ما فاسقیکر ذمیریه
رشد گشته و عجز گشته و درونک و سرخو منته ادا فی زمانه مکروه در آن ذکر اوقیه و سبب جمانه
نازق نفس دانی یا فاسقیکر مشرک کرده در صاف کشتی از آن اوقه قامت کوه سباز در اقا انا از آن اوقه
یکر کله نایم ایدر حلیه اسلام سوزی حکم بنسزدیم از آن اوقه قامت کوه نازق هر سوز مرتب
ایله مرتب اسی صیبر طبل اولوب ایدر نازق به تکرار از آن نزهت منزه جان ایدی کجیکاری
باله نازق و نوزک ایدر نازق اوقه کینه از آن کینه قلبی آیه اولدی کجیکه حدیثیه اولدی و کجیک
اشهد ان

دانی سجده ایام سجده ایضا و فیه شکر و کسب استند و حکما یا چه او چه ایضا سجده ایضا
کسب و کسب علی کسب و کسب تمام الدنیا کسب سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
او چه ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
تفاوت کسب کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
اوسته نماز ایضا سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
سکون نماز شبه نماز ایضا سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
استند نماز ایضا سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
سلسله نماز ایضا سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
بهر ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
اقوع باخود اخلاص برود نماز ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
که کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
سوره اقصی سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
او کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
اگر اقصی برین طریقی و ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
عت به سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
ایضا سجده ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا

تا جان ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
صلی ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
تخت ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
و ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
صلی ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
و ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
معراج ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
و ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
من ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
یعنی بر قول سجده کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
سوره جنتی وقت ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
او ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
و ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
کون سجده کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
او ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
بسی دنیای کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا
کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا کسب ایضا

و کجه دی اشدانه صباحه دلاک کیمت اچیلدی اکر بجه اهر و بر کله اوج کون و اولور کون و بر سینه
مشاوره اکر سوره عاصی سیه و اچی تاشه شوره کلیمه بر بره اولور کون اولور کون اولور کون
ایده و کجلی کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
جایزه صکار اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
ایده صاف اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
نیت اتمه یا اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اکر ایکی بریک برسی بر نایج اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
کجی ایکی بریم اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
بر بر کیمت دما ایکی بر شمه اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
بر شوره کیمت با تاشه بر کون جیفه نیت جیفه زمانه کلیمه یا اکر اولور کون اولور کون
قله اکر شملر با اهل بی دلر اسلامه شوره نیت غیری بریم اولور کون اولور کون اولور کون
نیت اشم مقیم اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
نیت اشم اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اشه نازی تام فلیه سوره قله زمر انک حاجی باطل نیت نیتی یا رشا و صکر له جسته ردا
طلیعه کون کون سوره قلمه کون کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
خک سوره قله زمر اراسی مدت سوره از سیر و اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اول شوره با بر شوره نیتی اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
د و کجه سوره قله زمر اراسی مدت سوره نیتی اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اچیده اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون

اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
سوره اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اکر اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
ایده اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
سوره کیمت نازی قضا اتمه اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
وقت جده قد صکر اسلامه اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
سوره سلام و بریه قلمه نیت اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
کون یا اکر نیت اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
بر کیمت و من اصلی نیت غیری بر بریم اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
بر اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
سوره اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
حاجت اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
مقیم اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
قضا اتمه اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
اشه اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
ارزانه اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
نازی طر اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون
طر اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون اولور کون

ایام کعبه از سه جهت اید و اولیام شنبه یکی بر امام کریمه اوج کوهی که در میان کعبه در صومعه است
تختان و دشانک **باب التعلق الحرف** **فصل** دشانک نمی فرمودند و این است که
یک طایفه قله در طایفه دشان و فرس طوط و در طایفه اید مسافر است بر کعبه مشرف است یکی بر کعبه قله
فرمان و قلمانی قله و ایام یک با کعبه سلام و در هر یک کعبه دشان و فرس طوط را و یکی طایفه کعبه تاری
تمام اید را عارفان اقرار می کردند و در مشرف فرس طوط و در صومعه با ایام اول کله که در نماز تمام اید را
فرمان اید احشام نماز اید اول کله در یکی کعبه قله حاکم کعبه بر کعبه قله که در فرس طوط تاری و اول کله
طوط او زین با شنبه شنبه طوط او شنبه اید اید قله کعبه و در کله با جوار اید اما دشانک قبضه و ایام
بر هر یک و در صومعه و طوطان یک نماز در روز پنجشنبه قله که در قله اید صومعه الحرف و در وجه قله اول
وقت در وقت اول کله که کعبه امامت اید در قله طوط و یکشنبه نماز کعبه قله در برابر اول
وقت ایام خانی یکی و در طایفه و دیگر تهیه قله با ایام کله خانی و ایام کعبه امامت اید در وجه قله
اید دشان افضل اید ایام خانی یکی طایفه قله در طایفه ایام نماز تمام قله و در طایفه دشان و فرس طوط
صومعه اول دشان فرس طوط در دین و برین امامت اید که در نماز تاری تمام تهیه و او یکی امامت قله که
فرس طوط **باب التیاض** یکی که در وقت آنکه سینه شکر سینه خانی بر کعبه او که یکی
او سه وجه است و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم
بر کعبه که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم
با قدری از این وجه جمع کرده و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم
لا شانه و شاهد آنکه شاهد است و در وقت آنکه شاهد است و در وقت آنکه شاهد است و در وقت آنکه شاهد است
بر کعبه که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم
اول کعبه حاصل است بر هر یکی و در کعبه اید که طوطان و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم
و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید

فرشته زده و کله این کعبه و قیامت و صراط و نور و روح انبیا و صالحین که در کعبه و در وجه اول
در کعبه که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
انکه در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
کوزین بود که یکی است و در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
سینه فرس طوط و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
اید نماز دشانک عهده است اید است و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
خود عارف صبیحه اید است و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
تیش این صومعه بر وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
ایام بر اول اید صومعه یا آن اوزر یا تویر یا صافی یا آن او یک کعبه بود که اید دشانک او تویر طوط اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
سینه را که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
گورده فلاحتی در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
انکه و عهده و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
افز صومعه در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
در حرمز مکن او که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
محمد فرس او زین در کعبه صومعه بر وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
جایز کله که یکی برین یا در نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
بر کعبه و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
نماز اول کعبه اید است و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید
را که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید و در وجه اول که در وقت نماز اید و در وجه دوم که در وقت نماز اید و در وجه سوم که در وقت نماز اید

وغيره من الامور التي هي في
الكتاب

والله الا الله
الذي لا اله الا هو
الحي القيوم

والله اعلم
بما في
الغيب

والله اعلم
بما في
الغيب
والله اعلم
بما في
الغيب

کاملاً و برام کون طاک بری انوشیروان و قبیله طورم هر چه نوشت اولاد طورم کسی ابره او را بداند چنانچه
اوله اتا کجایک بر سر آنکه که کشید که طوری ایام خلفه من فاذا کبره و مردغه بر و له و قوا و اولاد
بر و باز سر نانه کوش طاک کنی و قوا و دعای اولاد و اولاد کجایک که الله لا یجعله اشر فی عهد و قد توفیر
و از قبیله ما نبینی و اهل بیاتی ایوم منفا مرحوما مستحکم کما دعای منصفه در کوفی یا ارحم الراحمین
و مردغه بر کجایک اولاد مستنزه است حره و اولاد کیش طاک و اولاد باقیه نامیه قد و احشام نازنین بر
دانه بکنینه قایمه بند و قد کوه مردغه و رانده و براتمه اولاد احشام نازنین ارجح یا سوز نازنین
نار و ایکی درین طایفه نامه یا ابره که کرامت کوه اگر احشام نازنین سوز نازنین یا اولاد قد طاک
دکله مردغه در امان عشق که کرامت طاک بری کفر من اولاد اندک کین قبیله و مردغه در روح اولاد
بکنینه قوه را در کرم الله عنین مردغه و جمع آنکه انما زنی جرح الخیر و اهل بیاتی من سائله
فاخطیته و دعای حاجت و قائل علیه کلفیه و اسنیک مهدیه دبه احشام یا سوزی قد کوه
ابره المهدیه خیر منی و شعری و دعای و نظمی جمیع جوی خیر علی انار یا ارحم الراحمین و حصر من رضی فی
انه تبار و دبه زبانه سقا صده اترید که اول کجایک در حصر نیک را حنی اول من سنین که به حصر من
رضی قدر و احشام بر و له و بر و کجایک از به صیاح نازنین لیه فر کوه دخی قبیله طور و دعای
اوله اکبر الله الاکبر الله المهدیه نیک و به من سوز اندک من الله انما صر مسلم و غیر محر خور
لیه اهل کجا و قد جاریه و مزین مفضل جاری و برات فرقه السلام انما تتکل و منی و کجا و من خیر منی
و من علی الخدای اموی و مفضل الیمن من الذی اتمی المهدیه من العرب من السانیه و اوج علی الله
احکام الله المهدیه لخصه اهری المهدیه طور و از قبیله ابد ما نبینی بر حیک یا ارحم الراحمین و بر
وقوه و اولاد و مردغه در کسین و قبیله طور جرد کوه در کوه سته و طاک بری ابره نند غنای کوه
و کسین غنای مردغه در کوه منابه کله و قاریه اکره بر به و کسین در سیم کجایک بر طاسی بر تریه
در نری و به کجایک اندک کوه اولاد بر حایه کجایک اولاد حقه بی دره کجایک استفاد و قاریه بر کجایک
حاشا

الاشان که سواد شهر مند طوری است که طاق قریه دخی با بر من او سته و در طاسی اند و قبیله بیستم
است و الله اکبر زعمای شیطان و مشرک و به و بر حینه اولاد انما جاز کجایک که بر حینه و بر حینه اهل
طاسی لوب کجایک و حرم عقبه برام کوه طاسی اشغله دیکه دیکه که اندک کجایک بر حینه برام کوه نازنین
به اندک کوه با من صاحبند که بومک انضام اندک کوه هر سه حلال اولاد جی و دخی که کسینه صایح حرم
او سوزی بکنینه بر و در بر کجایک کبریه و سنت الله کسین کسین اولاد که مرد و بر حینه کسین کسین
اولاد بر سینه حاشا اولاد و باش بر کوه ابد کوه المهدیه ناصبی بکنینه فاحشای کجایک شرف و سوز و برام کوه
کجایک یا ارحم الراحمین اندک کوه برام کوه دخی ابره سی با دخی بر حینه طور زبانی اشغله ابا برام کوه نند
انضام و اکر دخی طاک کوه سی در اولاد سبه طور زبانی اشغله اولاد کسینه ابره و طور زبانی و دخی
برام کوه حاکم بری اهری غنای غنای در اندک کوه حای حلال اولاد زبانی است صایح امت علیه و سلم
برام کوه حرم عقبه بی نری و اولاد دخی و باش بر نوری و مکیه کجایک طور زبانی اکر دخی کوه اولاد
نازین کوه کجایک اگر طور زبانی برام کوه یا اکر کجایک کوه حای کوه کسینه اشغله مکر و عدد و بر حینه نند
واجب اولاد اندک کوه باش و نونکی با طاسی اشغله برام کوه کوه نند کوه با قوس بر حینه فر نند کوه واجب اولاد اندک کوه
برام کوه زوال کوه مسجد حقیقت کوه حرم اولاد بر حینه طاسی اشغله اندک کوه حرم سوزی کجایک اشغله نند
بر حینه عقبه بر دخی طاسی اشغله هر حرم در کجایک دعای اولاد بر حینه حرم اولاد کجایک اولاد اندک کوه ابره
مردی بر ابره فالله قبله و یله انه تبار ذکر نوا الیه لا اله الا الله و الله اکبر و مصلحت حای
حشر من حشر کوه دبه و ایا و بر سوز کسین دغسان و اوقیه المهدیه اصل حنی بر حینه و دخی حقه
المهدیه الیک اکتفت و من عدایک استغفنت و الیک رغبنا و الیک اکتفت فاقبل منی و سلم المهدیه
و ارحم الراحمین و اقبل منی و ارحم الراحمین و ارحم الراحمین و ارحم الراحمین و ارحم الراحمین و ارحم الراحمین
عقبه بی اندک کوه طور بر به کوه ابره سبه و اولاد ابره بر حینه اولاد حرم اولاد کوه طور بر به کوه ابره
طور بر حینه مستحبه اکر دخی کوه زبانی و اولاد سبه جاز در کوه حای کوه بر حینه و اولاد سبه کوه

فانوشه اگر فرمان سوزد من لایم شقی باطل اولد و ز برتق حجاب موی بر سره اشکند اهلله فانوشه
او کی سوزک حکمی سکور و اگر قریب سوزد سوزی باطل اولد و ز می کنه مکینه کله حج ایچی اهرام ابدل حج
اشد متع اولد و لایحی باقی اولد و لایحی باقی اولد سوزک حکمی باقی اولد مکینه و نه کنه من کس اولد و بر سره
عزیز و حج استان حکمده اولد حج اگر شمس ابدل کنه عزم طولتک حد شش طره اولد حج ایچی اولد اولد
اشد و قلاب شوطری حج آیدر نه نام اشده دایحی اشده متع صحیح اولد شمس سوزا حج ایچی اولد
اولد اشده فلان حج ایچی اشده متع اشده اولد ز بر اکثر اولد کل حکمی و ز بر کف لکنه حج ایچی اولد
سند خلا و اوله مکینه یا صوره طوره دایحی اشده متع حد ز بر او کی سوزی سکدی بهر طوره
بس مینانده حج و یک اولد با امره منی بوزسه دایحی اولد و دو سوزه با عزمی قضا اشده دایحی حج
اشده متع اولد ز بر مکینه کی اولد مکینه ز بر شمس اولد اولد اگر اهلله اهرام سوزشده اهلله اهرام
نه مکینه و نه سوزه حج اشده بر سره او کی سوزد و حجابی جمع اشده اولد متع اولد حج ایچی اولد
اشده اولد سوزک هانه سوزده حج و نه سوزشده نام ایده اشده قریان و لایحی اولد ز بر
ایچی صحیح عبادتی بر سره جمع اولد **باب الحایات** اهرام لکنه بر عضونه
کوکله قوز سوزده منده یا باشنه قه قه بی یا باخشمه اگر یا کوز زیت یا یا کوز سوزغون ایله منشم
ایام اعظم قنده قریان واجب اولد اولد سوز و عهد قنده حدنه واجب اولد ایام شامنی قنده و نولاد
صاحبده در شقی قریان واجب اولد غیری عضونه در سوزشده لازم اولد اگر سوزشده باقی یا بل باقی
کی سوزده در شقی کوکله قوز اولد قریان واجب اولد نقاله اگر کوشن کجده کیه با کون نام یا بر
کجه نام باشن اولد اشده یا باشنکده شمشند برین یا ستان کده شمشند برین باشن یا هامت ایچی
برین باشن یا ایچی قوز غنایه سوز یا عسفن یا برین باشن یا ایچی الینک الینک مدخلن حلسده
کسم یا ندوم طراف او دایحی طرف ایچی اشده یا ز طرف ایچی اشده یا ز طرف ایچی اشده یا ز طرف
نله امامان اولد کسه یا ز طرف طواف او حج سوزن یا دایحی سوزشده نله اشده اما عرض طولتک مدخلن

یادتی عرض نله اشده اهرام یا حجرا طوافی نام ایمنه یا طرف اولد کیه اشده یا طرف اولد کیه
عرض نله اشده یا طرف طاشن حج امته یا بر کوه اشده یا برام کوه عقده بی حج سوز اشده یا بر کوشنک
حجرا اشده یا حج ایچی یا حج اولد حدلن باشن سوزده ز بر باشن و نله حجابی محصور اولد او حجاب اولد
تا از ایچی کجه هر مدله چینه ای بلنی سوزشده به حرمه کله سوزه لازم اولد تا حج ایچی کجه هر مدله
خلال اولد باشن سوزشده به حرمه کله قریان واجب اولد اگر عزمی او به باشن و نله باشن کوه
عزمی کسونه کرد کسونه یا باشن و نله کی یا ز طرف طوافی قریان کوه نله سوزده یا قریسه یا مکینه استیجاب عملی
اولد اشده حجرا شاشن اندی باشن یونجه کجه و قرآن کجه ایچی اشده طاشن آندین قریان اولد کجه قریان
اندین باشن یونجه کجه بس و سوزده برین اشده کجه او ز ریه قریانک واجب اولد بس یا ام عظم
قنده قریان کجه قریان اندین باشن و نله کجه قریان واجب اولد برین و شمشند اولد باشن بر
نله کجه و بر سوز دایحی قریان عرضی باشن یونجه کونه سوزده یا قریان کجه کوه برین یا قریان کجه
یا باشن بر کونه از یقه اولد یا بر کونه کوشن کجده کیه یا باشنکده شمشند برنده آندین سوزده باشن سوزنده
ازین کسه یا باشن عرضی او کی هکله کسمه یا ندوم یا بعد بر طرف ایچی سوزشده یا بعد بر طرف ایچی سوزشده
نله اشده یا برام کونه کونه اهرام کونه او حج سوزده برین اشده او حج سوزده و کوز ز بر سوزی و حج سوزشده
نه یا اهرام لکنه بر عزمی کوشنک باشن بر سره او ایچی کوه کرد اهرام کوه کرد اهرام سوزشده بس و سوزشده
شبنو یکوهی در حجره عبادی حدنه ایله اگر حدنه سوزشده باشن یونجه سوزشده یا باشن کجده کیه یا کجده کونه
سوزشده در سوزه بر سوزشده قریان ایله و در سوزشده او حج صاع عبادی کیه سوزشده سوزشده کرم سوزشده و نله
و در سوزشده او کونه طره اما حدنه و برینک و برینک سوزشده سوزشده ایله کونه تا از بان اولد قریان
کونه در هر مدله اندک کوه خیری برده و غیری و عهد کسه او حج و هر طرف کجه حجرا واجب اولد کوه کجده
قریان کوه عبادی اوسون اولد دایحی هر مدله سوزشده و نله کونه او کجه اهرام کجده سوزشده و نله طوره کجده
جماع اشده اگر اولد به اندیشه دایحی قاسم اولد و بر سوزشده قریان اولد کجده سوزشده او حج سوزشده

